

درباب تفاوت‌های بنیادین «رویا» و «آرمان»

ابوالفضل اقبالی

چند سالی هست که با دقت مضاعفی گفتارهای پیرامون هویت و آینده دختران را بررسی و مطالعه می‌کنم. از ادبیات فمینیستی و مشاوره‌های زردِ روانشناسی در این عرصه که بگذریم، یکی از صداهای پرطنین در گوش دخترانِ امروز متعلق به گفتار جریان‌هایی است که برچسب انقلاب اسلامی، زنِ تراز، الگوی سوم و... دارند. در سال‌های اخیر حجم قابل توجهی از آثار رسانه‌ای و فرهنگی اعم از سرود و نماهنگ، کتاب، کارگاه و همایش، صفحات مجازی و... توسط این جریان‌ها برای دختران تولید شده است.

دغدغه ثابت این آثار و محصولات تولیدی درباره دختران، هویت‌بخشی به آنان در قامت یک انسانِ موثر اجتماعی در آینده است. دغدغه‌ای که می‌توان با اغماض آن را منتسب به گفتار انقلاب اسلامی در عرصه زنان و دختران نمود. اما ایده مرکزی اغلب این آثار و فعالیت‌ها معطوف به یک مفهوم کاملاً فردگرایانه و سکولار است. «رویا» لب کلام گفتار بدنه مذهبی جامعه درباره دختران در نسبت با هویت و آینده آنهاست. «رویاهایت را بساز» نقطه تلاقی گفتارهای فمینیستی، روانشناسی زرد و بدنه مذهبی است که در امتدادشان به مقوله «هویت جنسیتی» به آن رسیده‌اند. این در حالی‌ست که اگرچه انقلاب اسلامی از ایده «زنِ موثر» حمایت می‌کند، اما به یقین با گفتار فوق ناسازگار است. گفتار بدیل انقلاب اسلامی برای هویت و آینده دختران، «آرمان» است.

«آرمان» با «رویا» تفاوت‌های بنیادین دارد. رویا، تصویرگری‌های نفس‌انسانِ سکولار از آینده است که در انقطاع مطلق از تاریخ و جغرافیا قرار دارد. براین اساس، رویا ماهیتی منفعل و ایزوله دارد و فرد را بیرون از حرکت جامعه در مسیر تاریخی خود تعریف می‌کند. لذا در این گفتار، رویای دختران قبل از انقلاب اسلامی و پس از آن چندان تفاوتی ندارند. هر دو از جنس تارگت هستند (ببخشید معادل فارسی که حق مطلب را ادا کند نیافتم!) پرواضح است که در چنین فضایی احتمال تعارض منافع میان فرد و جامعه چندان بعید نیست. زیرا تارگت‌های فردی نه تنها تعهدی به اهداف جمعی ندارند بلکه حتی امکان قرار گرفتن در موقعیت‌های تقابلی و ناهمنوا با نظم و روندهای جمعی نیز دارند. لذا به میزان گسترش این گفتار در میان افراد، جامعه

یک گام به سمت گذار از انسجام اجتماعی به انزوای اجتماعی پیش می‌رود. بحث و تفصیل این گزاره بماند برای بعد...

آرمان اما دقیقاً در نقطه مقابل رویا قرار دارد. نقطه عزیمت آرمان، تاریخ است. آرمان، تصویر متعهدانه و مساله‌مند فرد از آینده‌ی حرکت تاریخی جامعه است که در این میان رسالت‌ها و مأموریت‌هایی هم برای زندگی فردی مشخص می‌کند. لذا آرمان ماهیتی فعال دارد و برخلاف رویا که قائم به فرد است، آرمان قبل از فرد وجود داشته و بعد از او نیز تداوم خواهد داشت. به همین دلیل است که افراد برای آرمان «هزینه» می‌دهند اما برای رویا نه! موضع افراد نسبت به رویا «ترجیح» است اما نسبت به آرمان، «تکلیف».

الگوی سوم زیستن، صرفاً در بستر آرمان قابل تحقق است. رویا که «مجاهدت» نمی‌خواهد. رویا نهایتاً با «تلاش» و «برنامه‌ریزی» قابل دستیابی‌ست! رویا به معنای واقعی کلمه «صورتی» است. این آرمان است که با «ایمان» و «یقین» آغاز می‌شود و با جهاد به مال و جان و آبرو امتداد می‌یابد. انسان انقلاب اسلامی اینگونه زیستنی دارد و اساساً با چنین انسان‌هایی تمدن جدید رقم می‌خورد. یک سینه سخن درباره تفاوت این دو گفتار دارم. شاید در فرصتی به تفصیل سخن بگویم.

اما از تمام فعالان حوزه زنان و دختران که در پایگاه انقلاب اسلامی کنش می‌کنند تقاضای تامل بیشتر دارم. جایگزینی ادبیات آرمان به جای رویا هم برای پسران و هم برای دختران ضروری است. اما تاکید من روی دختران از این جهت است که سهم و نقش دختران در تنظیم و رهبری حرکت اجتماعی بسیار بیشتر و موثرتر از پسران است. لذا دختران را بیشتر دریابید. اگر هویت و آینده دختران نوجوان را به «انقلاب اسلامی» و «ایران مقتدر» پیوند بزنید، برای رفع بسیاری از چالش‌ها و حل مسائل اجتماعی ایران در آینده زمینه‌سازی کرده‌اید.